

## عنوان مقاله:

بررسی و تحلیل کهن الگوها در اسطوره شاماران از منطقه موکریان بر اساس آرای یونگ

## محل انتشار:

دوفصلنامه نگارینه هنر اسلامی، دوره 7، شماره 20 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

## نویسندگان:

علیرضا عزیزی یوسفکند - هنرهای اسلامی - دانشکده هنرهای صناعی - دانشگاه هنر اسلامی تبریز

بهمن نامور مطلق - دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

## خلاصه مقاله:

در روان شناسی تحلیلی یونگ، کهن الگو به آن دسته از اشکال ادراک و دریافت گفته می شود که از گذشته های بسیار دور به یک جمع به ارث رسیده باشد. به اعتقاد یونگ، کهن الگوها در ضمیر ناخودآگاه جمعی قرار دارند و یکی از راه های شناخت و تحلیل آن ها مراجعه به هنر، اساطیر، مذهب یا رویاهای فرد است. افسانه و اسطوره شاماران (نیمه انسان-نیمه مار) یکی از انواع میراث ادبیات شفاهی منطقه موکریان در کردستان است که حاوی تعداد زیادی از کهن الگوهای این منطقه می باشد. این پژوهش سعی در شناخت و تحلیل این کهن الگوها بر اساس آرای و نظریات یونگ دارد. در پژوهش حاضر کهن الگوهای مهمی همچون «مادر مثالی، پیر فرزانه، ولادت مجدد، آنیما و آنیموس» در داستان اسطوره شاماران شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفت و در آخر نتیجه گرفته شد که پسرک قهرمان با فراخوان خود و کمک شاماران به تکامل و فردانیت می رسد و این روایت نشأت گرفته از ناخودآگاه جمعی مردم منطقه موکریان است که نشان دهنده دغدغه شناخت و تکامل روان جمعی این مردمان است. عدم بررسی و واکاوی این اسطوره از منظر منتقدان و پژوهشگران، ضرورت انجام این پژوهش را ایجاب کرد. این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که: روایت موردنظر از افسانه شاماران در این پژوهش، دارای کدام کهن الگوها مطابق نظریه یونگ می باشد؟ این پژوهش به لحاظ ماهیت، کیفی محسوب شده و گردآوری داده های آن با استفاده از منابع کتابخانه ای و بررسی میدانی از طریق مشاهده، مصاحبه عینی بوده و روش پژوهش به شیوه توصیفی و تحلیلی می باشد.

## کلمات کلیدی:

روانکاوی، یونگ، کهن الگوها، اسطوره شاماران، موکریان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1571201>

